

مطالعه تطبیقی دعوای نمونه در حقوق آلمان و ایران

ناهید صفری *

محمد مولودی **

بیژن حاجی عزیزی ***

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۳۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۹

چکیده

صدور آرای معارض در نتیجه رسیدگی جداگانه به دعوای با جهات حکمی و موضوعی یکسان یا مشابه، اعتبار دستگاه قضا را تحت الشعاع قرار داده و یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی تلاش برای یافتن راهکاری برای تجمیع این دعوای است. متناسب با نیازها و اصول پذیرفته شده در هر نظام حقوقی، راهکارهای مختلفی برای تجمیع این دعوای پیش‌بینی شده است. پذیرش دعوای نمونه یا مدل در نظام حقوقی آلمان از جمله این راهکارهاست. در این نوع دعوای یک دعوای مستقل توسط یک یا چند شخص اقامه و از حکم نهایی آن به عنوان مبنایی برای تعیین تکلیف سایر دعوای مشابهی که توسط اشخاص دیگر علیه همان خواننده اقامه می‌شود، استفاده می‌گردد. در حقوق ایران دعوای نمونه به صورت قاعده عام پیش‌بینی نشده است. با وجود این، در برخی قوانین، مانند قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، نمونه مشابه این دعوای دیده می‌شود. این مقاله با معرفی دعوای نمونه در حقوق آلمان، ضمن توجیه ضرورت پذیرش آن در حقوق ایران، امکان پذیرش دعوای نمونه را در حقوق ایران مورد مطالعه قرار داده است.

کلیدواژه‌گان:

حقوق آلمان، حقوق مصرف‌کننده، دعوای دسته‌جمعی، دعوای نمونه، قانون کپم‌وگ.

* استادیار دانشگاه مراغه - دانش آموخته دانشگاه بوعلی سینا

andishe.ns@gmail.com

** استادیار دانشگاه بوعلی سینا

mohammad.molodi@yahoo.com

*** دانشیار دانشگاه بوعلی سینا

haji598@basu.ac.ir

مقدمه

اقامه دعوای فردی شیوه متداول اقامه دعواست. با وجود این، از آنجا که رسیدگی جداگانه به دعوای با جهات موضوعی و حکمی مشترک ممکن است منتج به نتایج ناهماهنگ شود و احترام و اعتبار دستگاه قضایی را نزد عموم به خطر اندازد، توجه به روش‌های تجمیع دعوای همواره به دلیل مزایای قابل توجه آن مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف واقع شده است. علاوه بر روش‌های سنتی تجمیع، مانند ادغام دعوای، در نظام‌های حقوقی مختلف شیوه‌های گوناگونی برای اقامه دعوای دسته‌جمعی پیش‌بینی شده است. دعوای مدل یا نمونه یا معیار از جمله این دعوای است که در برخی نظام‌های حقوقی مانند آلمان، استرالیا و اتریش پیش‌بینی شده است.

در حقوق آلمان دعوای نمونه طبق قانون دعوای نمونه در اختلافات مربوط به قانون بازار سرمایه (کپموگ)^۱ در سال ۲۰۰۵ وارد شد. با توجه به وجود مقررات جامع در حقوق آلمان و نزدیک بودن مبانی حاکم بر این نظام حقوقی به عنوان مصداقی از کشورهای تابع نظام حقوق رومی-ژرمنی به نظام حقوقی ایران، در این مقاله با مطالعه این دعوای در حقوق آلمان، در تطبیق این دعوای با مقررات موجود در نظام حقوقی ایران خواهیم کوشید.

در حقوق ایران نیز ضرورت‌های عملی تجمیع دعوای به‌ویژه در زمینه حقوق مصرف‌کنندگان مطرح است. زیرا شرایط جامعه مدرن به نحو قابل ملاحظه‌ای اشخاص را در معرض صدمات گروهی قرار می‌دهد و مصرف‌کنندگان در مقابل تولیدکنندگان همواره در موقعیت ضعیفی قرار دارند. در این شرایط معمولاً اقامه دعوای فردی مورد توجه مصرف‌کنندگان نیست. با توجه به اینکه پذیرش دعوای جمعی آمریکایی^۲ با اصول و مبانی پذیرفته شده در نظام حقوقی ایران

1. Act on Model Case Proceedings in Disputes under Capital Markets Law (Kapitalanleger Musterverfahrensgesetz (KapMuG)).

۲. در یک دعوای جمعی، یک یا چند شخص که با عنوان خواهان یا خواهان‌های اصلی شناخته می‌شوند، به اصالت از جانب خویش و به نیابت از سایر اشخاص گروه، اقدام به اقامه دعوا می‌کنند. البته این نیابت فرضی و قانونی است، زیرا در این دعوای حتی اعضای گروه ممکن است از این دعوا مطلع نباشند. ادعاهای این اشخاص دارای جهات حکمی و موضوعی مشابهی با ادعای خواهان اصلی است، زیرا آنها به جهت اعمال غیرقانونی واحد یا مشابهی که خواننده مرتکب شده است، مدعی حقی می‌باشند که مورد درخواست خواهان اصلی نیز هست. از این رو در این دعوای، فقط خواهان اصلی طرف دعوا محسوب می‌شود و بیان هویت فردی اعضای گروه لازم نیست و صرفاً تحت عنوان زیان‌دیده از واقعه‌ای خاص، توصیف آنها کافی است. در واقع پس از تعریف گروه، تمام کسانی که منطبق با تعریف گروه هستند، عضو گروه تلقی شده و رأی صادره در ←

چندان سازگاری ندارد و به نظر می‌رسد قانون و رویه قضایی آمادگی پذیرش چنین دعوای را نداشته باشند، پذیرش دعوای نمونه می‌تواند در شناسایی دعوای دسته‌جمعی در حقوق ایران و رفع مشکلات مربوط به دعوای فردی در این عرصه گامی بردارد. در این مقاله با معرفی دعوای نمونه در حقوق آلمان، درصدد پاسخگویی به این پرسش خواهیم بود که آیا امکان پذیرش دعوای نمونه در حقوق ایران وجود دارد؟ دعوای نمونه در برخی نوشته‌های داخلی به طور مختصر مورد توجه برخی حقوق‌دانان قرار گرفته است.^۱ با وجود این، بی‌توجهی به تغییرات صورت گرفته در این قانون در سال ۲۰۱۲ و عدم بررسی مفصل این دعوای، ضرورت بررسی دقیق‌تر این دعوای را در این مقاله ایجاد می‌نماید. بررسی و ارزیابی این دعوای در حقوق آلمان راهنمایی برای قانون‌گذار ایران در راستای انتخاب روشی خواهد بود که ضمن سازگاری با اصول و مبانی حقوق ایران، ایرادات و نقاط ضعف این دعوای را نیز رفع نماید. لذا در این نوشتار ابتدا با توجه به قانون اصلاحی آلمان سعی در تشریح این دعوای خواهیم داشت، سپس امکان پذیرش این دعوای در حقوق ایران با توجه به مبانی و اصول حاکم بر این دعوای و مقررات موجود در حقوق ایران تحلیل خواهد شد.

۱. دلایل و پیشینه پیدایش دعوای نمونه

مشکلات اقامه دعوای فردی در مواردی که به تعداد کثیری از افراد به صورت مشابه یا یکسان ضرر وارد می‌شود، هم‌زمان با پذیرش دعوای جمعی در آمریکا در سطح اتحادیه اروپا و به تبع آن در نظام حقوقی آلمان مورد توجه قرار گرفته است.^۲ با وجود تأکید بر ضرورت وجود

→ خصوص آنها نیز لازم‌الاجراست. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک. مولودی، محمد، بیژن حاجی عزیزی و ناهید صفری، **مطالعه حقوق فرافردی مبنایی برای دعوای جمعی**، تحقیقات حقوقی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۷۵؛ عباس قاسمی حامد و آرزو فلاح، **دعوای گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۶۵.

۱. به عنوان نمونه ر.ک. کاشانی، جواد. **دعوی گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و ثانویه در سیستم حقوقی**، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، ۱۳۹۱، شماره ۳۷، صص ۱۲۱-۱۴۶؛ محسنی، حسن، بهنام غفاری و نفیسه شوشی نسب، **دعوای جمعی و نقش آن در احقاق حقوق مصرف‌کننده**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۸۲.

۲. مؤسسه مطالعات یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی آمریکا، **اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی**، ترجمه مجیدپور استاد، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.

دعاوی دسته‌جمعی در راستای حل این مشکلات، اصول و مبانی مورد پذیرش در حقوق آلمان، پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی را در این نظام حقوقی دشوار کرده است. از این رو، این نظام حقوقی درصدد پذیرش راهکاری برآمده است که ضمن اینکه نیازهای این نظام حقوقی را در این زمینه مرتفع نماید، با اصول و مبانی حاکم بر این نظام نیز سازگار باشد؛ دعاوی نمونه نتیجه چنین تلاش‌هایی است.

در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی آلمان، حق اصحاب دعوا در برخورداری از یک محاکمه عادلانه و حق مورد استماع قرار گرفتن است. این اصل به عنوان یکی از اصول مهم آیین دادرسی مدنی فراملی نیز مورد توجه است. منظور از این حق این است که افراد باید فرصت ابراز دلایل و ادعاها و مدافعات خود را بیابند و به‌طور کلی امکان مشارکت در دادرسی را داشته باشند.^۱ این حق با دادن فرصتی برای خطاب قرار دادن دادگاه در حمایت از دعاوی و دلایل خود و در مقابل ادعاها و دلایل طرف مقابل، تضمین‌کننده حقوق مدعی و اشخاص دیگری است که مستقیماً از نتیجه دعاوی حقوقی متأثر می‌شوند. در مقابل دادگاه‌ها نیز مکلف به توجه کردن به ادعاها و استدلال‌های ارائه‌شده طرفین هستند. اهمیت این حق در آلمان تاحدی است که مهم‌ترین حق در قانون آیین دادرسی مدنی تلقی شده است.^۲ در مقابل در دعاوی جمعی آمریکایی با توجه به اقامه دعوا از طرف نماینده و ضرورت نداشتن حضور سایر اعضا و الزام‌آور بودن رأی صادره نسبت به اشخاص غایب، از این اصل تخطی می‌شود و لذا پذیرش دعاوی نمونه در حقوق آلمان در راستای سازگار کردن این دعاوی با نظام حقوقی خود بود.^۳

فقدان قاعده سابقه^۴ در کشورهای رومی-ژرمنی، از جمله آلمان، نیز یکی دیگر از دلایل توجه به دعاوی نمونه عنوان شده است. برخلاف نظام حقوقی کامن‌لا در بیشتر کشورهای

۱. غمامی، مجید و حسن محسنی، *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۷۲.

2. Baetge, Dietmar, *Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation*, Germany, (2007) available at <http://globalclassactions.stanford.edu/taxonomy/term/45>, p.3.

3. Stuyck J et al. An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings. Final Report. The Study Centre for Consumer Law – Centre for European Economic law, (2007), p.267.

۴. منظور از قاعده سابقه الزام به رعایت قواعدی است که قضات وضع کرده‌اند و احترام گذاشتن به سوابق قضایی است که مطابق با منطق نظام حقوقی مبتنی بر آرای قضایی است. طبق این قاعده در حقوق انگلیس، آرای که مجلس اعیان صادر کرده است، سوابق الزام‌آوری را تشکیل می‌دهند و همه دادگاه‌ها باید از آن پیروی کنند. آرای که دادگاه استیناف صادر می‌کند ←

رومی - ژرمنی اصولاً احکام دادگاه‌ها برای دادگاه‌های دیگر در دعوای مشابه الزام‌آور نیست و طرح دعوای نمونه به نوعی می‌تواند تأسیس قاعده‌ای نظیر قاعده سابقه در نظام کامن‌لا باشد. زیرا در مواردی که در نتیجه یک حادثه زیان‌بار به تعداد کثیری صدمه وارد می‌شود، یک دعوا به عنوان دعوای نمونه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، سپس در دعوای مشابه که جهات حکمی و موضوعی و خوانده آنها یکسان است، بر مبنای حکم دعوای نمونه حل و فصل می‌شوند.^۱

پیدایش قانون کپموگ در حقوق آلمان به پرونده تلکوم برمی‌گردد. این پرونده بزرگ‌ترین پرونده سرمایه‌گذاری است که از طرف سه میلیون سهام‌دار فردی و هفتصد و پنجاه‌وچهار نفر وکیل آنها علیه شرکت تلکوم هلندی اقامه شد. این شرکت در سال ۱۹۹۹ یکی از شرکت‌های پیشرو ارتباط راه دور جهان بود. در آگهی عرضه سهام در عرضه عمومی اولیه، شرکت دارایی واقعی دارندگان را بیش از ارزش واقعی آن ارزش‌گذاری کرد. در سال ۲۰۰۱ ثابت شد که این ارزیابی‌ها بسیار اغراق‌آمیزند. در نتیجه ارزش سهم آنها نود و دو درصد کاهش یافت. بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ بیش از ۱۳۰۰۰ دعوای فردی علیه شرکت به دلیل فریب، تقلب و تدلیس در دادگاه منطقه‌ای فرانکفورت از طرف وکلای متفاوت اقامه شد. مسئله این بود که یک قاضی صلاحیت انحصاری رسیدگی به هر دعوا را داشت. تخمین زده شد که حل و فصل این پرونده‌ها حداقل پانزده سال زمان می‌برد. بین سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ در دادگاه فدرال قانون اساسی یازده خواهان که از تأخیر در رسیدگی به پرونده‌های خود شاکی بودند، اقدام به طرح دعوا کردند. دادگاه دعوای را رد کرد، اما دستور تسریع در استماع پرونده‌ها داده شد. نهایتاً این وضعیت قانون‌گذار آلمانی را وادار به تصویب قانون کپموگ کرد. این قانون که یک قانون آزمایشی

→ برای همه دادگاه‌هایی که در سلسله مراتب قضایی پایین‌تر از آن دادگاه قرار دارند و خود دادگاه استیناف لازم‌الاجراست. آرای صادره به وسیله دادگاه عالی عدالت برای دادگاه‌های تالی الزام‌آور است و برای شعب مختلف دادگاه عالی عدالت و دادگاه سلطنتی نیز ارزش معنوی بزرگی دارد و عموماً مورد تبعیت قرار می‌گیرد، بدون اینکه دقیقاً الزامی باشد. تصمیمات صادره از سوی دادگاه‌های دیگر و سازمان‌های شبه قضایی ممکن است ارزش معنوی داشته باشد، ولی هرگز سوابقی لازم‌الاجرا به شمار نمی‌آیند. رنه، داوید و اسپینوزی کامی ژوفره، *درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر*، ترجمه حسین صفایی، تهران: میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۱، ص ۲۱۸.

1. tuyck J et al. An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings. Final Report. The Study Centre for Consumer Law – Centre for European Economic law, (2007), p.262.

محسنی، حسن، بهنام غفاری و نفیسه شوشی نسب، *دعوای جمعی و نقش آن در احقاق حقوق مصرف‌کننده*، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، ۱۳۹۱، شماره ۱، ص ۱۶۵.

محسوب می‌شود، در اول نوامبر ۲۰۰۵ به مدت پنج سال لازم‌الاجرا شد. در سال ۲۰۱۲ با انجام اصلاحاتی در این قانون، مهلت آن نیز تا سال ۲۰۲۰ تمدید شد.^۱

۲. مزایای دعاوی نمونه

به‌طور کلی توجه به تجمیع دعاوی به دلیل مزایای قابل توجه آن از جمله کم‌هزینه‌تر شدن دعاوی و ایجاد انگیزه لازم در دعاوی با خسارت اندک، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و اجتناب از ناهماهنگی در آرای دادگاه‌ها، مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف واقع شده است. در حقوق آلمان نیز به مزایای دعاوی نمونه به عنوان مصداقی از دعاوی که امکان تجمیع دعاوی با جهات حکمی و موضوعی مشابه یا یکسان را فراهم می‌سازد، توجه شده است. این مزایا را می‌توان در دو عنوان کلی دستیابی به عدالت و بازدارندگی در نوشته‌های حقوق‌دانان ملاحظه نمود.

۲.۱. دستیابی به عدالت

به‌طور کلی یکی از اهداف مهم اقامه دعاوی دسته‌جمعی دسترسی به عدالت است. مهم‌ترین جنبه دسترسی به عدالت، حمایت از دعاوی خرد و کوچک است. این دعاوی می‌توانند راهکاری برای حمایت از گروه‌های ضعیف در برابر شرکت‌های قدرتمند باشند. زیرا معمولاً اقامه دعاوی با ارزش ناچیز مقرون به صرفه نیست و قربانیان اغلب از اقامه دعاوی خود در این موارد امتناع می‌کنند. اما با تجمیع این دعاوی و طرح آن به صورت یک دعوی بزرگ با ارزش بالا، اقامه دعاوی موجه خواهد شد.^۲

این هدف در تصویب قانون کپموگ مورد توجه قانون‌گذار آلمان قرار گرفته و یکی از اهداف تصویب این قانون دستیابی سهام‌داران به عدالت عنوان شده است. تسهیل رسیدگی به دعاوی سهام‌داران و کاهش هزینه‌های آنها نیز در راستای دستیابی به عدالت مطرح شده است. زیرا تجمیع دعاوی سهام‌داران انگیزه آنها را برای مطالبه حقوق خود افزایش خواهد داد. در غیر این صورت، این دعاوی معمولاً یا به ندرت اقامه می‌شوند و یا در صورت طرح، مدیریت آن برای

1. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" *European business law review* ; 24(2013), P.733.

2. Hodges, Ch. The Reform of Class and Representative Actions in European Legal Systems: A New Framework for Collective Redress in Europe, vol 8. Oxford: Hart Publishing Ltd, P, 2008, 187.

دادگاه‌ها به دلیل تعداد زیاد خواهان‌ها دشوار خواهد بود. ضمن اینکه تجمیع دعوای باعث کاهش برخی هزینه‌ها خواهد شد. البته ضرورت اقامه دعوای فردی برای داخل شدن در دعوای نمونه این مزیت دعوای نمونه را در حقوق آلمان کمرنگ‌تر می‌کند، اما در قانون اصلاحی به جای اقامه دعوا به ضرورت ثبت نام توجه شده است که به نظر می‌رسد در پاسخ به انتقادات صورت گرفته توسط حقوق دانان آلمانی بوده باشد.^۱

از منظر مراجع قضایی نیز تجمیع دعوای در یک دعوا سبب اجتناب از برخی امور از جمله دعوت مکرر شهود و تجدید جلسات دادرسی و... می‌شود. با طرح دعوا به صورت جمعی به نوعی دادگاه‌ها در منابع مالی و انسانی خود صرفه‌جویی خواهند کرد.^۲ از طرفی یکپارچه کردن دعوای از نظر قضایی این اثر مهم را نیز به همراه دارد که از صدور آرای متناقض در موضوعات و ادعاهای کاملاً مشابه جلوگیری می‌کند. در نتیجه این دعوای کارایی دستگاه قضایی را افزایش خواهد داد. البته باید توجه داشت که دعوای نمونه صرفاً در عرصه سرمایه‌گذاری و خرید سهام مطرح است و لذا این هدف در حقوق آلمان را صرفاً باید در این عرصه مورد توجه قرار داد.

۲.۲. بازدارندگی

یکی دیگر از آثار بسیار مهم دعوای دسته‌جمعی، بازدارندگی این دعوای است. این اثر به عنوان یکی از اصلی‌ترین آثاری که توجیه‌کننده پذیرش دعوای دسته‌جمعی در نظام‌های اروپایی باشد، عنوان شده است.^۳

به‌طور کلی با تجمیع دعوای و رسیدگی یکجا به دعوای مشابه با توجه به تعداد زیاد خواهان‌ها در مقایسه با دعوای فردی احتمال اینکه خوانده مسئول رفتار نامناسب خود قرار گیرد، بالا می‌رود و از این نظر خواندگان توجه بیشتری نسبت به این دعوای دارند.^۴ بازدارندگی مبتنی

1. Feess, Eberhard, Halfme, Axel, The German Capital Markets Model Case Act (KapMuG) .a European role model for increasing the efficiency of capital markets? analysis and suggestions for reform, (January 2012) available at: <http://ssrn.com/abstract=1684528>, P.27.

2. Anderson, B & Andrew Trask. The Class Action Play book, New York: oxford university press, p.13.

3. Hodges, Ch. The Reform of Class and Representative Actions in European Legal Systems: A New Framework for Collective Redress in Europe, vol 8. Oxford: Hart Publishing Ltd, P, 2008, p.202.

4. Hensler, D. The Globalization of Class Actions: An Overview. *the American Academy of Political and Social Science*, 622: 7, (2009) P.9.

بر این فرض است که متخلفان احتمالی معمولاً قبل از اقدام به ارتکاب عمل غیرقانونی، سود و زیان را مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهند؛ یعنی در مواردی که هزینه‌ها از منافع بیشتر باشد، از ارتکاب عمل غیرقانونی اجتناب خواهند کرد. از جمله هزینه‌ها، احتمال روبه‌رو شدن با ضمانت‌اجراهای کیفری یا مالی است و منافع هم عمدتاً شامل منافع مالی هستند.

در حقوق آلمان یکی از اهداف اصلی تصویب این قانون، بازدارندگی شرکت‌ها از دادن اطلاعات غلط سرمایه‌ای بود.^۱ زیرا اقامه دعوی نمونه و صدور حکم به نفع خواهان نمونه، خواندگان را با این خطر مواجه خواهد ساخت که در پرونده‌های مشابه نیز چنین رأیی صادر شود و لذا با توجه به آثار و عواقب رفتار خود، به رفتارهای خود توجه نشان خواهند داد و به عنوان مثال از دادن اطلاعات غلط خودداری خواهند کرد. به نظر می‌رسد با اصلاحات صورت‌گرفته در قانون و کاهش موانع اقامه دعوی، از جمله ضرورت ثبت دعوا و نه اقامه دعوا، اثر بازدارندگی در حقوق آلمان بیشتر شده است.

۳. مفهوم و قلمرو دعوای نمونه

در این نوع رسیدگی یک دعوای مستقل توسط یک یا چند شخص اقامه و از حکم نهایی آن به عنوان مبنایی برای تعیین تکلیف سایر دعوای مشابهی که توسط اشخاص دیگر علیه همان خوانده اقامه می‌شود، استفاده می‌گردد. تا زمانی که حکم نهایی دعوای نمونه صادر شود، تمامی دعوای مشابه دیگر متوقف و پس از آن درباره هر یک از دعوای بر اساس رأی صادره در دعوای نمونه به طور جداگانه تصمیم‌گیری می‌شود.^۲ در واقع هدف از این دعوا به دست آوردن حکمی است که به طور قطعی سرنوشت مجموعه‌ای از دعوای مشابه را معین کند.

در حقوق آلمان این دعوا صرفاً در حوزه سرمایه‌گذاری و خرید سهام اجازه داده شده است و پیشنهادهای مربوط به توسعه قلمرو قانون به حوزه مسئولیت تولید و حقوق مصرف‌کننده در اصلاحات سال ۲۰۱۲ نیز مورد موافقت قانون‌گذار قرار نگرفته است. مطابق این قانون، در

1. Feess, Eberhard, Halfme, Axel, The German Capital Markets Model Case Act (KapMuG). a European role model for increasing the efficiency of capital markets? analysis and suggestions for reform, (January 2012) available at: <http://ssrn.com/abstract=1684528>, p1-2.

2. Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa, Class Action in Europe: Comparative Law and EC Law Consideration, Butterworths Journal of International Banking and Financial Law, (October 2008), p.484.

مواردی که اطلاعات نادرستی به سرمایه‌گذاران داده شود یا موضوع تحت شمول قانون قبض و اقباض اوراق بهادار آلمان^۱ قرار گیرد، دادگاه می‌تواند به درخواست حداقل ده نفر از مدعیان، با رسیدگی به یکی از دعوای به عنوان دعوای نمونه، تکلیف سایر دعوای مشابه را نیز بر مبنای آن تعیین کند.

مطابق با بند (۱) ماده ۱ اصلاحی این قانون، قلمرو اعمال قانون شامل موارد زیر است: ۱- دعوای راجع به مطالبه خسارت به دلیل اطلاعات غلط و گمراه‌کننده یا عدم افشای اطلاعات بازارهای سرمایه عمومی؛ ۲- دعوای برای مطالبه خسارت به دلیل استفاده از اطلاعات غلط و گمراه‌کننده بازارهای سرمایه عمومی^۲ یا به دلیل قصور در ارائه توضیحات در خصوص ماهیت گمراه‌کننده اطلاعات مربوطه؛ ۳- دعوای الزام به ایفای قرارداد مطابق با قانون قبض و اقباض اوراق بهادار. مطابق با بند (۲) این ماده نیز منظور از اطلاعات بازار سرمایه عمومی، اطلاعات مربوط به تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران در خصوص موضوعات، شرایط و اطلاعات شرکت و همین‌طور اطلاعات مربوط به صادرکننده اوراق بهادار است.

با وجود اینکه این قانون هم در زمینه مسئولیت مدنی و هم در زمینه مسئولیت قراردادی قابل اعمال است، در عمل عمدتاً دعوای مطرح شده در حوزه مسئولیت مدنی و مطالبه خسارت هستند و دعوای الزام به ایفای تعهد قراردادی کمتر اقامه می‌شوند.^۳

با اضافه شدن بند (۲) این ماده در اصلاحات ۲۰۱۲، علاوه بر مطالبه خسارت به دلیل اطلاعات غلط و اطلاعات فریب‌دهنده یا عدم افشای اطلاعات بازارهای سرمایه، امکان اقامه دعوای خسارت علیه مشاورانی که از اطلاعات غلط و نادرست استفاده می‌کنند یا کسانی که از دادن اطلاعات در خصوص اشتباه بودن اطلاعات امتناع می‌ورزند، نیز به وجود آمده است. ضمن اینکه تمامی دعوای انبوه را صرف‌نظر از میزان خسارت و همچنین دعوای با خسارت بسیار اندک، هم شامل می‌شوند.^۴

1. German Securities Acquisition and Takeover Act.

2. Public capital markets information.

3. Schulz, Daniel & Hixson, Michael, *The International Comparative Legal Guide to: Class & Group Actions 2012*, Chapter 14: Germany, Global Legal Group Ltd, London, (2012), P.85.

4. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" *European business law review*; 24(2013), P.749.

طبق قانون بورس اوراق بهادار^۱ فقط سرمایه‌گذارهایی که اوراق بهادار یا سهام را در محدوده شش ماه پس از انتشار آگهی عرضه سهام خریده‌اند، می‌توانند این دعوا را مطرح کنند. دعوای در مدت یک سال پس از علم و نهایتاً سه سال پس از انتشار آگهی عرضه سهام، مشمول مرور زمان می‌شوند و قابلیت استماع ندارند.^۲

۴. رسیدگی به دعوای نمونه

قانون کپموگ سه مرحله شکی را برای رسیدگی در نظر گرفته است: درخواست طرفین برای طرح دعوای خود به عنوان دعوای نمونه، رسیدگی به پرونده نمونه و اعمال تصمیم پرونده نمونه برای پرونده‌های فردی دیگر. این روند طولانی رسیدگی، مورد انتقاد بسیاری از حقوق‌دانان آلمانی قرار گرفته است. از نظر ایشان در بسیاری از موارد طولانی شدن فرایند رسیدگی از دلایل انصراف افراد در استفاده از این دعوای خواهد بود و از این حیث بعید است که این دعوای بتواند به جایگاهی مشابه دعوای جمعی آمریکایی دست یابند.^۳ باوجود این، به نظر می‌رسد اعمال برخی تغییرات در قانون اصلاحی این موانع را در حقوق آلمان کمتر کرده است. در این مبحث به بررسی این مراحل خواهیم پرداخت:

۴.۱. درخواست و انتخاب دعوای نمونه

برای شروع رسیدگی، در مرحله اول لازم است که درخواستی داده شود. طبق ماده ۲ قانون کپموگ، دعوای نمونه صرفاً می‌تواند به وسیله اشخاص آغاز شود و دادگاه نمی‌تواند خود اقدام به رسیدگی نماید. هر یک از طرفین دعوا می‌توانند با ارائه مسائل مشترک درخواست انتخاب پرونده خود به عنوان پرونده نمونه را بنمایند. این مورد شبیه موضوعات مشترک در دعوای جمعی آمریکایی است. در واقع متقاضی باید اثبات کند که دعوای نمونه پیشنهادی صرف‌نظر از

1. German Stock Exchange Act (BörsG).

2. Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa, "Class Action in Europe: Comparative Law and EC Law Consideration", Butterworths Journal of International Banking and Financial Law, (October 2008), P.485.

3. Baetge, Dietmar, **Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation**, Germany, (2007) available at <http://globalclassactions.stanford.edu/taxonomy/term/45>, P.31.

اختلافات فردی، ممکن است برای دعوای مشابه دیگر اهمیت داشته باشد. دعوای در صورتی که مبتنی بر اوضاع و احوال واحدی باشند، مشابه هستند. پس از این درخواست حداکثر تا شش ماه از تاریخ دریافت آن، دادگاه باید با انتشار درخواست در روزنامه فدرال تحت عنوان ثبت شکایت، از کسانی که درخواست مشابهی دارند، دعوت کند. در صورتی که نه درخواست مشابه در محدوده زمانی مقرر در قانون (شش ماه) طرح شوند، دادگاه بدوی که اقدام به انتشار آگهی کرده است، پس از بررسی تمام دعوای و توصیف آنها و فهرست کردن موضوعات مشترک، دستور انتقال دعوای را به دادگاه عالی منطقه‌ای^۱ خواهد داد. این دادگاه بالاترین دادگاه بدوی در آلمان محسوب می‌گردد. البته طبق بند (۴) ماده ۴ این قانون، در صورتی که شرایط برای معرفی دعوای نمونه مطابق با بند (۱) ماده ۶ قبلاً محقق شده باشد، دادگاه می‌تواند از اعلام عمومی درخواست برای ایجاد دعوای نمونه خودداری کند. به عنوان مثال، زمانی که قبل از اعلام عمومی، این نه درخواست وجود داشته باشند. طبق بند (۵) ماده ۶ در صورتی که شش ماه پس از اعلام عمومی درخواست برای پرونده مدل و نمونه، نه درخواست مشابه اعلام نشوند، دادگاه قرار رد درخواست را صادر خواهد کرد و رسیدگی را ادامه خواهد داد. این قرار قابل تجدیدنظرخواهی نیست. همچنین در مواردی ممکن است درخواست غیرقابل قبول باشد. مثلاً با هدف تأخیر رسیدگی باشد یا ادله توصیفی در درخواست نامناسب باشند یا اهمیت آن برای سایر دعوای اثبات نشده باشد که در این موارد نیز مطابق بند (۱) ماده ۳ امکان تجدیدنظرخواهی از تصمیم دادگاه وجود ندارد.^۲

پس رسیدن تعداد پرونده‌ها به حد نصاب قانونی و انتقال این دعوای به دادگاه عالی منطقه‌ای، این دادگاه پرونده‌های انتقالی را بررسی و یکی از آنها را به عنوان پرونده نمونه یا مدل انتخاب می‌کند. باید توجه داشت که دادگاه عالی منطقه‌ای به پرونده‌های انتقال یافته از دادگاه بدوی به طور کامل رسیدگی نمی‌کند. بلکه دادگاه عالی منطقه‌ای صرفاً در خصوص موضوعاتی که برای تمام پرونده‌ها مشترک هستند، تصمیم‌گیری خواهد کرد تا بتواند پرونده نمونه را انتخاب کند. مطابق با بند (۳) ماده ۶ قانون اصلاحی، این موضوعات مشترک باید توسط دادگاه بدوی مشخص شود و دادگاه عالی منطقه‌ای در خصوص آنها تصمیم‌گیری کند. در طول رسیدگی

1. Higher Regional Court (OLG).

2. Newland, James, Louise, Moher, Lynda Morgan, *Multi-party Litigation in Germany: the KapMuG in Action*, Volume VI, No 4, (2008), P.425.

دادگاه عالی منطقه‌ای، رسیدگی به سایر پرونده‌ها معلق خواهد شد. دادگاه خواهان پرونده نمونه را با بررسی موارد مختلف، از جمله مبلغ دعوای هر خواهان و توافقی که بین مدعیان حاصل شده است، انتخاب می‌کند. به عنوان مثال، در پرونده تلکوم، دادگاه مدعی نمونه را بر اساس مبلغ زیاد دعوای او (۱.۶۵ میلیون یورو) و این موضوع که پرونده او اکثریت موضوعات مشابه به اختلاف را دربرداشت، انتخاب کرد. تصمیم دادگاه بدوی در انتخاب دعوای نمونه قابل تجدیدنظرخواهی نیست.^۱

مطابق ماده ۱۰ قانون اصلاحی، بعد از انتخاب خواهان پرونده نمونه، دادگاه عالی منطقه‌ای مکلف به انتشار عمومی آگهی و اعلام مشخصات پرونده است. در این آگهی نام خواهان پرونده نمونه و نماینده قانونی او، نام خواننده پرونده نمونه و نماینده قانونی او، تعداد پرونده‌های دادگاه منطقه‌ای ذکر می‌شود. همچنین آگهی عمومی باید اطلاعاتی در خصوص شرایط و محدوده زمانی ثبت اعلام نماید. در مدت شش ماه پس از انتشار آگهی مذکور، دعوای مربوط به پرونده نمونه به صورت مکتوب در دادگاه عالی منطقه‌ای قابل ثبت است. ثبت‌کننده باید از طریق وکیل اقدام کند. همچنین لازم است نام ثبت‌کننده و نماینده قانونی او، شماره پرونده نمونه و اعلام قصد ثبت دعوا، نام خوانندگان پرونده نمونه و جهات ادعا ثبت شود.

یکی از ایرادات قانون کیموگ مصوب ۲۰۰۵ مسئله مرور زمان بود. زیرا گاه فرایند رسیدگی به دعوای نمونه آن قدر طولانی بود که دعوای دیگر مشمول مرور زمان می‌شدند. به نظر می‌رسد قانون اصلاحی با مقرر کردن ثبت دعوا درصدد رفع این ایراد برآمده است. در قانون اصلاحی اثر این ثبت عدم شمول مرور زمان نسبت به دعوای ثبت شده است. در صورتی که رسیدگی به دعوای نمونه طولانی شود، این اثر می‌تواند مثبت باشد و این افراد بدون نگرانی در خصوص شمول مرور زمان نسبت به دعوای خود می‌توانند منتظر نتیجه دعوای نمونه شوند. البته اثر ثبت محدود به مرور زمان می‌شود و برخلاف پیشنهاد حقوق‌دانان آلمانی مبنی بر لزوم پیش‌بینی اثر لازم‌الاجرا بودن حکم صادره در دعوای نمونه بر تمام دعوای ثبت‌شده، ظاهراً این پیشنهادها مورد قبول قانون‌گذار آلمان قرار نگرفته است. در شرح این ماده، کمیته امور حقوقی مجلس آلمان توضیح می‌دهد که اثر الزام‌آور بودن حکم پرونده نمونه بر تمام پرونده‌های ثبت‌شده مورد

1. Schulz, Daniel & Hixson, Michael, The International Comparative Legal Guide to: Class & Group Actions 2012», Chapter 14: Germany, Global Legal Group Ltd, London, (2012),P.85.

قبول قانون گذار قرار نگرفته است. زیرا این افراد صرفاً دعوای خود را ثبت کرده و دعوایی علیه خواننده مطرح نکرده‌اند و حق مشارکت در پرونده نمونه را ندارند. در واقع این کمیته نگران این مسئله است که پذیرش چنین اثری با حق مورد استماع قرار گرفتن در تعارض باشد. البته برخی حقوق دانان آلمانی با تأکید بر اراده ضمنی ثبت کننده دعوا، چنین نگرانی را بی مورد می دانند و معتقدند که با توجه به اینکه یکی از مواردی که طبق ماده ۱۰ باید در آگهی قید شود، اطلاعاتی در خصوص اثر ثبت است و می توان ثبت ارادی دعوا را مبین رضایت مدعی برای نمایندگی شدن در پرونده نمونه توسط خواهان نمونه تفسیر کرد.^۱ با وجود این، به نظر می رسد نگرانی مفسرین قانون با توجه به اهمیت اصل حق استماع در حقوق آلمان منطقی باشد. در واقع به لحاظ تردید در خصوص اراده ضمنی این افراد، نمی توان این نظر را پذیرفت؛ به ویژه اینکه این افراد صرفاً دعوای خود را ثبت می کنند تا مشمول مرور زمان نشوند و برخلاف اشخاص ذی نفع، حق هیچ گونه مداخله‌ای در روند دعوای نمونه ندارند. ضمن اینکه پذیرش برخی آثار در این قانون مؤید این مسئله است که در خصوص حق استماع، وضعیت این افراد متفاوت از اشخاص ذی نفعی است که دعوا را علیه خواننده اقامه کرده‌اند. طبق قانون جدید، دعوای افراد ذی نفع به محض شروع دعوای نمونه، به طور خود به خود معلق و امکان اجتناب از اثر الزام آور بودن تصمیم صادره در دعوای نمونه برای آنها وجود ندارد. برخی حقوق دانان علت پذیرش چنین اثری را در خصوص افراد ذی نفع (افرادی که دعوایشان معلق شده) رضایت ضمنی آنها به نمایندگی توسط خواهان نمونه عنوان کرده‌اند. در نتیجه قانون به افراد ذی نفع امکان حداقل مشارکت در دعوای نمونه را به منظور حمایت از حقوق قانونی آنها اعطا می کند. در واقع دادن حق مشارکت به اشخاص ذی نفع و معلق شدن دعوای آنها مؤید تفاوت دیدگاه قانون گذار بین افرادی که دعوای خود را ثبت کرده‌اند و اشخاص ذی نفع است. در خصوص اشخاص ذی نفع می توان فرض کرد که این افراد به محض ورود در دعوای نمونه، توسط خواهان نمایندگی می شوند، ولی پذیرش چنین فرضی در خصوص اشخاصی که صرفاً دعوای خود را ثبت کرده‌اند، دشوار است. این نحوه رسیدگی حاکی از پذیرش روش ورود محور در آلمان است، زیرا مطابق قانون صرفاً به دعوای کسانی که درخواست دهند، رسیدگی می شود. ضمن اینکه هیچ امکانی برای ورود اشخاص دیگری که در نتیجه همان رفتار

1. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" *European business law review* ; 24(2013), p.743.

خوانده، متحمل ضرر شده، ولی درخواست خود را در مواعد مقرر مطرح نکرده‌اند، وجود ندارد. از این رو، برخی حقوق دانان آلمانی بر این باورند که موفقیت این قانون تا حد زیادی بستگی به تعداد افرادی خواهد داشت که در مرحله اول درخواست داده‌اند. اگرچه در دعوای مربوط به اوراق بهادار معمولاً میزان ضرر وارده به حدی است که انگیزه کافی برای درخواست وجود داشته باشد، اما حتی در این دعوای نیز این امکان وجود دارد که برخی اشخاص ذی‌نفع از طرح دعوای با خواسته‌های کم‌ارزش خود به دلیل دشواری‌های مربوط به اثبات آن خودداری کنند.^۱

۴.۲. رسیدگی به پرونده نمونه

پس از درخواست متقاضی و انتخاب پرونده نمونه، مرحله دوم آغاز می‌شود. در این مرحله دعوای نمونه در دادگاه عالی منطقه‌ای مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در طول رسیدگی به مسئله مشترک، تمام پرونده‌ها معلق بر تصمیم‌گیری در پرونده نمونه هستند.

طبق ماده ۹ قانون اصلاحی، طرفین دعوای نمونه، شامل خواهان و خوانده دعوای نمونه و اشخاص ذی‌نفع، احضار شده هستند. در واقع در دعوای نمونه دو نوع خواهان وجود دارد: خواهان پرونده نمونه و خواهان‌هایی که دعوای آنها در دادگاه بدوی معلق است. دستور تعلیق باعث می‌شود که خواهان‌های دیگر به عنوان اشخاص ذی‌نفع به دعوای نمونه دعوت شوند. البته ذی‌نفع بودن این افراد در دعوای نمونه همانند ذی‌نفعی آنها در دعوای اصلی خود نیست. اما می‌توانند با بیان اظهارات و استفاده از ابزارهای شکلی از دعوای نمونه حمایت کنند.

طبق ماده ۱۴ این قانون، اشخاص ذی‌نفع حق دارند که از ابزارهای اعتراض یا دفاع و هر اقدام مؤثر دیگر تاجایی که اظهارات و اقدامات آنها مغایر با اظهارات و اقدامات خواهان پرونده نمونه نباشد، استفاده کنند. در واقع به دلیل اهمیت حق مورد استماع قرار گرفتن در حقوق آلمان، در این قانون نیز به منظور حفظ حق مدعیان، به اشخاص دیگری جز خواهان اصلی پرونده نمونه، مقام و وضعیت شخص ذی‌نفع اعطا شده است که به آنها حق مداخله در پرونده نمونه را می‌دهد. به شرط اینکه اظهارات و دعوای آنها مخالف با اظهارات و دعوای مدعی نمونه نباشد. این حق تا جایی است که اشخاص ذی‌نفع حتی می‌توانند موضوع دعوای نمونه را گسترش دهند.

1. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" European business law review ; 24(2013):p.737-738.

البته این امکان در مواردی وجود دارد که دادگاه به این نتیجه برسد که موضوعات اضافه شده به پرونده نمونه ارتباط دارند. این وضعیت خاص احتمال طولانی و پیچیده شدن رسیدگی به دعوای نمونه را تا زمان پایان ناپذیری ایجاد می‌کند. با وجود این، در عمل، اشخاص ذی‌نفع معمولاً در این دعوا فعال نیستند و مداخله نمی‌کنند و پیگیری دعوا را به خواهان اصلی واگذار می‌کنند.^۱ به نظر می‌رسد اهمیت حق مورد استماع قرار گرفتن در حقوق این کشور سبب شده است که اشخاص ذی‌نفع در این دعوای نقش فعالی داشته باشند. ضمن اینکه الزام‌آور بودن رأی صادره نسبت به این اشخاص نیز به دلیل مشارکت آنها در روند دادرسی است. در واقع قانون‌گذار آلمان به منظور اجتناب از ایرادات مربوط به الزام‌آور بودن رأی در حقوق آمریکا با پذیرش مشارکت اشخاص ذی‌نفع، الزام‌آور بودن رأی را با مبانی و اصول مورد پذیرش نظام حقوقی خود از جمله نمایندگی توجیه کرده است و در نتیجه این دعوای تا حد زیادی با دعوای جمعی آمریکایی تفاوت دارند.

مشابه قوانین برخی نظام‌های حقوقی در خصوص واجد شرایط بودن خواهان نماینده، در حقوق آلمان نیز در بند (۴) ماده ۹ اصلاحی پیش‌بینی شده است، در صورتی که خواهان پرونده نمونه نتواند به خوبی پرونده را اداره کند، دادگاه عالی منطقه‌ای می‌تواند شخص دیگری را جایگزین کند. این ماده مؤید این دیدگاه است که اگرچه خواهان دعوای نمونه در حقوق آلمان، به لحاظ قانونی نماینده دیگران محسوب نمی‌شود، اما در خصوص نتیجه پرونده نمونه مسئولیت دارد. در سایر نظام‌های حقوقی ضرورت واجد شرایط بودن نماینده به دلیل حفظ حقوق و منافع اشخاص غایب گروه است. از دیدگاه برخی حقوق‌دانان آلمانی این ماده بیانگر آن است که قانون‌گذار آلمان درصدد حمایت بیشتر از کسانی است که با وجود داشتن حق مشارکت در دعوا، این حق را اعمال نکرده‌اند.^۲

لازم به ذکر است که مطابق ماده ۱۱ این قانون، تقریباً همان اصول رسیدگی که در قانون آیین دادرسی مدنی آلمان در خصوص سایر دعوای وجود دارد، در رسیدگی به پرونده نمونه هم رعایت می‌شود و فقط در برخی موارد جزئی تفاوت‌هایی وجود دارد. به عنوان مثال فاصله بین جلسه رسیدگی و اعلام عمومی حداقل باید چهار هفته فاصله باشد.

1. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" European business law review ; 24(2013) ,p.737.

2. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" European business law review ; 24(2013) ,p.737.

رأی صادر شده در پرونده نمونه توسط اصحاب دعوا، اعم از خواهان و خوانده پرونده نمونه و یا اشخاص ذی نفع، قابل تجدیدنظرخواهی است. مطابق ماده ۲۱ قانون اصلاحی، در صورتی که تجدیدنظرخواهی از طرف خواهان پرونده نمونه باشد، او تجدیدنظرخواه محسوب می شود و در صورتی که چند نفر از اشخاص ذی نفع اقدام به تجدیدنظرخواهی نمایند، کسی که ابتدا اقدام به تجدیدنظرخواهی کرده است، تجدیدنظرخواه محسوب می شود. همچنین مشابه با مرحله بدوی که در صورت انصراف خواهان پرونده نمونه، خواهان دیگری انتخاب می شد، در مرحله تجدیدنظر نیز در صورت انصراف تجدیدنظرخواه پرونده نمونه، دادگاه تجدیدنظرخواه دیگری را از بین کسانی که به تجدیدنظرخواهی ملحق شده اند، انتخاب خواهد کرد.

۴.۳. تصمیم گیری در پرونده های دیگر

نهایتاً در مرحله آخر پس از قطعی شدن تصمیم صادره در دعوای نمونه، دعوای فردی مطرح شده در دادگاه های بدوی از حالت تعلیق خارج می شوند و دادگاه های بدوی با توجه به تصمیم صادره در پرونده نمونه، در خصوص دعوای فردی تصمیم گیری خواهند کرد. البته تکلیف دادگاه در صدور رأی با توجه به تصمیم دعوای نمونه به این معنی نخواهد بود که ضرورتاً در صورت پیروزی خواهان دعوای نمونه، در تمامی دعوای فردی نیز دادگاه بدوی مکلف به صدور رأی به نفع خواهان ها باشد، زیرا با وجود مشابه بودن موضوعات، احتمال دارد دلایل و استدلال های خواهان از نظر دادگاه بدوی رسیدگی کننده برای صدور حکم به نفع او کافی نباشد. حتی در صورتی که در پرونده نمونه دادگاه حکم به پرداخت خسارت صادر کرده باشد، دادگاه بدوی ممکن است جبران دیگری را برای دعوای فردی مناسب بداند.^۱

۵. آثار دعوای نمونه

رأی صادر شده در پرونده نمونه نه فقط در خصوص خواهان و خوانده پرونده نمونه لازم الاجراست، بلکه در خصوص اشخاص ذی نفع احضار شده هم الزام آور است. به نظر می رسد علت این امر توجه به اصل نسبی بودن آرای دادگاههاست. همان طور که در مباحث قبل مطرح

1. Astadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" *European business law review* ; 24(2013), p.748.

شد، علت لازم‌الاجرا بودن رأی صادره در خصوص اشخاص ذی‌نفع، مشارکت آنها در جریان رسیدگی به پرونده نمونه است. از این رو، برخی نویسندگان حقوقی معتقدند که این افراد صرفاً تا حدی ملزم به رأی صادره خواهند بود که قادر به تأثیر گذاشتن بر پرونده نمونه و مشارکت در رسیدگی به این دعوا بوده‌اند. در نتیجه سرمایه‌گذارانی که به موقع وارد دعوای نمونه نشده یا اصلاً دعوایی اقامه نکرده‌اند، ملزم به این رأی نخواهند بود.^۱ در واقع برخلاف نظام حقوق آمریکا که اشخاصی که در جریان رسیدگی در دادگاه مشارکت نداشته‌اند، ملزم به رأی صادره هستند، در حقوق آلمان به منظور انطباق این مسئله با قاعده اعتبار امر قضاوت شده، مشارکت آنها در جریان دادرسی پیش‌بینی شده است.

ماده ۲۲ قانون اصلاحی تقریباً مشابه با مقررۀ سابق (ماده ۱۶) نیز به این مسئله اشاره دارد. مطابق این ماده، در مواردی که خواهان پرونده نمونه دعوای نمونه را به خوبی اداره نکرده باشد، رأی صادره نسبت به اشخاص ذی‌نفع لازم‌الاجرا نخواهد بود. از جمله مصادیق عدم شایستگی خواهان در این ماده موردی است که اشخاص ذی‌نفع از بیان دفاعیات و استدلال‌های خود منع شده یا اظهارات و دفاعیات آنها عمداً یا در نتیجه غفلت سنگین مورد استفاده قرار نگرفته باشد. برخلاف قانون سابق که انصراف افراد تأثیری در الزام‌آور بودن رأی نداشت و انصراف فقط در معافیت آنها در هزینه‌های دادرسی اثر داشت، در قانون اصلاحی حق انصراف پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۲۲ قانون اصلاحی نیز صرفاً در مواردی که انصراف اشخاص ذی‌نفع خارج از موعد مقرر قانونی باشد، رأی صادره نسبت به آنها الزام‌آور است و لذا انصراف افراد نه فقط در معافیت از پرداخت هزینه‌های دادرسی مؤثر است، بلکه رأی صادره در خصوص افرادی که انصراف خود را در موعد قانونی اعلام کنند، تأثیری نخواهد داشت.

در دعوای نمونه مطابق قانون کپموگ، جبران به صورت پرداخت خسارت نیز وجود دارد و دادگاه عالی منطقه‌ای می‌تواند در خصوص دعوای نمونه حکم به پرداخت خسارت به نفع خواهان پرونده نمونه صادر کند. در خصوص دعوای فردی نیز این مسئله به نظر دادگاه بدوی رسیدگی بستگی دارد که بر اساس نتیجه دعوای نمونه، حکم به جبران خسارت هر خواهان فردی دهد.

1. Baetge, Dietmar, **Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation**, Germany, (2007) available at <http://globalclassactions.stanford.edu/taxonomy/term/45,P.20>.

مشابه با دعوای جمعی آمریکایی، در دعوای نمونه این امکان وجود دارد که دعوا از طریق مصالحه و سازش خاتمه یابد. مطابق قانون سابق کپموگ، پذیرش مصالحه مشروط به توافق تمام اشخاص بود. این مسئله ضمن اینکه در موارد بسیاری مصالحه را غیرممکن می‌کرد، موجب طولانی شدن دعوا نیز می‌شد و از این حیث مورد انتقاد حقوق دانان بود.^۱ ماده ۱۷ اصلاحی این قانون با حذف این شرط تا حدی انعطاف نشان داده است. مطابق این ماده، خواهان و خواننده پرونده نمونه می‌توانند پیشنهاد کتبی مصالحه را تقدیم دادگاه نمایند و اشخاص ذی‌نفع نیز فرصت توضیح دارند. قانون برخلاف مصالحه سایر دعوای و به منظور حمایت از منافع اشخاص ذی‌نفع، پذیرش مصالحه را مشروط به موافقت دادگاه کرده است و تصمیم دادگاه در این خصوص قابل اعتراض نیست. مطابق این ماده، در صورتی که بیش از سی درصد از اشخاص ذی‌نفع راضی به مصالحه نباشند، امکان پذیرش مصالحه وجود ندارد. پس از پذیرش مصالحه توسط دادگاه، امکان فسخ آن نیز وجود ندارد.

در قانون جدید ضمن پیش‌بینی شرط موافقت دادگاه با مصالحه، معیار و ضابطه‌ای برای دادگاه به منظور پذیرش یا عدم پذیرش مصالحه ذکر نشده است. با وجود این، با توجه به سابقه و پیشینه قانون جدید کپموگ، واضح است که دادگاه باید نمایندگی مناسب و کافی از اشخاص ذی‌نفعی را که در مذاکرات مشارکت نداشته‌اند، مدنظر قرار دهد. ماده ۱۸ این قانون نیز مقرر می‌کند که دادگاه باید با در نظر گرفتن وضعیت اقدامات صورت گرفته در دعوای نمونه و بررسی وضعیت دعوای نمونه، مصالحه را بپذیرد. البته ممکن است استدلال شود که صرف بررسی پرونده نمونه کافی نیست و با توجه به اثر مصالحه که امکان اقامه دعوی فردی را نیز از بین می‌برد، بهتر است مواردی مانند نتیجه احتمالی دعوای فردی هم در نظر گرفته شود (به‌ویژه با توجه به این مسئله که معمولاً پذیرش مصالحه از طرف دادگاه، اشخاص ذی‌نفع را از خروج از مصالحه منصرف می‌کند). اما با توجه به این واقعیت که دادگاه تصمیم‌گیرنده در خصوص مصالحه صرفاً به پرونده نمونه و شرایط آن اشراف دارد و سایر پرونده‌های فردی که مشابه این پرونده هستند، مورد بررسی دادگاه عالی منطقه‌ای قرار نمی‌گیرد، این امکان برای دادگاه مربوطه وجود نخواهد داشت. در واقع فقط دادگاه‌های بدوی (که دعوای فردی در آنجا مطرح شده است) و

1. Newland, James, Louise, Moher, Lynda Morgan, *Multi-party Litigation in Germany: the KapMuG in Action*, Volume VI, No 4, (2008), P.426.

خواننده دعوا مطلع از دعوای فردی و نتیجه احتمالی آن هستند. لذا مکلف کردن دادگاه به بررسی نتیجه احتمالی دعوای فردی امکان‌پذیر نخواهد بود. از این نظر، قانون نیز در پذیرش مصالحه، وضعیت پرونده نمونه را ملاک قرار داده است. یکی از راه‌حل‌ها برای این مشکل، می‌توان الزام دادگاه عالی منطقه‌ای به اخذ مشورت از دادگاه‌هایی که دعوای فردی در آنها مطرح شده است، دانست. گرچه مطابق قانون اصلاحی، اشخاص ذی‌نفع احضار شده نیز اصولاً تابع مصالحه هستند، اما این حق برای آنها پیش‌بینی شده است که بتوانند انصراف خود را از مصالحه ظرف یک ماه به طور مکتوب به دادگاه اعلام نمایند. طبق ماده ۱۹ این قانون به منظور اطلاع این افراد از مصالحه و اعمال این حق، لازم است حق انصراف، مدت زمان و شرایط آن به این اشخاص اطلاع داده شود. در صورت انصراف، مصالحه در خصوص آنها مؤثر نخواهد بود و آنها می‌توانند دعوای فردی خود را اقامه کنند. ضمن اینکه با مصالحه رسیدگی به دعوای نمونه هم خاتمه می‌یابد. لذا اکثر اشخاص ذی‌نفع تمایل به ورود در مصالحه را خواهند داشت نه اقامه دعوی فردی. همچنین ظاهراً قانون اثر مصالحه را محدود به اشخاص پرونده نمونه و اشخاص ذی‌نفع کرده است. با وجود این، برخی نویسندگان معتقدند که قانون واضح نیست و می‌توان این ماده را به گونه‌ای تفسیر کرد که اثر مصالحه به اشخاصی که دعوای خود را ثبت کرده‌اند، نیز سرایت کند. از نظر این نویسندگان، عدم ذکر این اشخاص در ماده، به معنی عدم امکان مشارکت آنها در مصالحه نیست و با در نظر گرفتن این اصل کلی که اشخاص ثالث می‌توانند وارد مصالحه در دعوای حقوقی شوند، این قانون را باید طوری تفسیر کرد که اجازه مذاکره در خصوص مصالحه و تصمیم‌گیری در خصوص شرایط و محدوده اعمال مصالحه به مدعیان ثبت‌کننده دعوا هم داده شود. در واقع در صورتی که این افراد شرایط مصالحه را به نفع خود ببینند، با اعلام صریح التزام خود به مصالحه ملزم به آن خواهند بود و مبنای التزام آنها نیز اعلام صریح خودشان است.^۱

1. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" European business law review ; 24(2013) ,P.744,748.

۶. دعوای نمونه در حقوق ایران

هرچند در قانون آیین دادرسی مدنی ایران نمونه‌هایی وجود دارند که به علت مؤثر بودن آرای مراجع دیگر بر تصمیم دادگاه رسیدگی کننده، توقف رسیدگی پیش‌بینی شده است،^۱ دعوای نمونه به شکلی که در حقوق آلمان مطرح است، در قانون آیین دادرسی مدنی ایران پیش‌بینی نشده است. با وجود این، ماده ۹۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن را می‌توان به عنوان مفهومی نزدیک به دعوای نمونه در حقوق اداری ایران مورد بررسی قرار داد.

این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه در موضوع واحد حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان می‌تواند موضوع را در هیئت عمومی مطرح و تقاضای تسری آن را نسبت به موضوعات مشابه نماید. در صورتی که هیئت عمومی آرای صادرشده را صحیح تشخیص دهد، آن را برای ایجاد رویه تصویب می‌نماید. این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم‌الاتباع است». در تبصره نیز مقرر شده است که پس از صدور رأی وحدت رویه، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به ارسال نسخه‌ای از دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، انجام می‌گیرد. در واقع این ماده در مواردی که شکایات مختلفی از تصمیمات خلاف قانون یا خارج از محدوده اختیارات دستگاه‌های عمومی یا دولتی یا مأموران آنها وجود داشته باشد، با توجه به اشتراک موضوعات، قانون‌گذار امکان صدور رأی وحدت‌رویه را پیش‌بینی کرده است. با توجه به مشابهت دعوای مطروحه، رسیدگی جداگانه به این دعوای مناسب نخواهد بود و به نظر می‌رسد قانون‌گذار با پیش‌بینی این مقرره درصدد توجه به این مسئله بوده است؛ هرچند محدود بودن آن به آیین دادرسی اداری، آثار مثبت دعوای نمونه در حقوق آلمان، به‌ویژه در خصوص احقاق حقوق مصرف‌کنندگان، را نخواهد داشت. با وجود این، بازدارندگی مؤسسات و شرکت‌ها از اقدامات غیرقانونی که از آثار مفید دعوای نمونه است، از طریق این مقرره نیز تأمین شده است، زیرا با صدور رأی وحدت رویه (رأی نمونه) افراد دیگر در شرایط مشابه در اقدامات خود احتیاط و دقت بیشتری خواهند داشت.

۱. ماده ۱۹-۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی.

نوآوری این مقرر در پیش‌بینی صدور رأی وحدت رویه در خصوص آرای مشابه (و نه آرای معارض) سبب مشابهت آن با دعوای نمونه گردیده است. زیرا همان‌طور که در دعوای نمونه نیز یک رأی، نمونه و مدلی برای سایر دعوای مشابه خواهد بود، پس از صدور رأی وحدت رویه توسط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری هم، رأی صادره به عنوان رأی نمونه برای تمام اشخاص دارای وضعیت مشابه لازم‌الاجراست. در نتیجه همان‌طور که برخی حقوق‌دانان نیز اشاره کرده‌اند، در این موارد همه اشخاص دارای وضعیت مشابه می‌توانند با تقدیم دادخواست و بدون تبادل لویح و خارج از نوبت، همان رأی را دریافت کنند. در چنین مواردی شعبه دیوان باید از وحدت مسائل موضوعی و حکمی میان دعوای پیش‌رو و رأی وحدت رویه مطمئن شود.^۱

البته باید توجه داشت که اگرچه این ماده می‌تواند گامی در پذیرش دعوای نمونه در حقوق ایران باشد، عدم پیش‌بینی سازوکارهای دیگر حقوق آلمان از جمله انتشار آگهی و امکان ثبت دعوا مانع آن است که این ماده را مصداق دقیق دعوای نمونه دانست و از این حیث دعوای نمونه متفاوت از رأی وحدت رویه است. درهرحال، به نظر می‌رسد که پذیرش این دعوای هیچ مابینتی با اصول و مبانی پذیرفته شده در حقوق ایران ندارد؛ زیرا اولاً این دعوای ورود محور هستند و با اصل آزادی افراد در اقامه دعوا و با نمایندگی‌های پیش‌بینی شده در حقوق ایران مطابقت کامل دارد و افراد با ثبت دعوای خود، اراده خود را بر نمایندگی خواهان دعوای نمونه اعلام می‌کنند. ثانیاً این دعوای با اصول دادرسی پذیرفته شده در حقوق ایران، از جمله حق مورد استماع قرار گرفتن، مطابقت کامل دارد. زیرا طبق این اصل تازمانی که به افراد فرصت ابراز دلایل، ادعاها و مدافعات خود و به‌طور کلی امکان مشارکت در دادرسی داده نشود، رأی صادره در خصوص آنها لازم‌الاجرا نخواهد بود. در واقع دعوای نمونه با پیش‌بینی سازوکاری برای مشارکت در دعوا، لازم‌الاجرا بودن رأی را در دعوای دیگر را توجیه می‌نمایند.

همچنین وجود این دعوای در حقوق ایران می‌تواند به نوعی ناکارآمدی نهادهای قانونی و عدم کفایت مقررات موجود را در راستای حفظ حقوق مصرف‌کنندگان جبران کند. زیرا با توجه به اینکه یکی از مصادیق بارز تجمیع دعوای، موارد نقض حقوق مصرف‌کنندگان است و معمولاً

۱. کاشانی، جواد. دعوی گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و ثانویه در سیستم حقوقی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، ۱۳۹۱، شماره ۳۷، ص ۱۴۰.

مصرف‌کنندگان متضرر انگیزه کافی برای اقامه دعوی فردی نخواهند داشت، دعوای نمونه با تجمیع این دعوای برای مصرف‌کنندگان، این امکان را فراهم می‌نمایند که برای احقاق حقوق خود با انگیزه بیشتری عمل نمایند.

با این توضیحات و با توجه به اینکه در حقوق ایران، شکل سنتی دعوای جمعی وجود ندارد و در شرایط فعلی به نظر نمی‌رسد، قانون‌گذار و رویه قضایی آمادگی پذیرش دعوای جمعی آمریکایی را داشته باشند، پیش‌بینی دعوای نمونه به عنوان یک دعوای مستقل در قانون آیین دادرسی مدنی به لحاظ سازگاری بیشتر با مبانی و اصول حقوق ایران، می‌تواند تاحدودی در حل مشکلات مربوط به دعوای مشابه کارساز باشد و نظام حقوقی را برای پذیرش اشکال دیگری از این دعوای در آینده آماده نماید. از این رو، قانون‌گذار ایران می‌تواند با الگوبرداری از نظام حقوقی آلمان، ضمن رفع ایرادات موجود در این نظام حقوقی، با پذیرش دعوای نمونه در قانون آیین دادرسی مدنی، مصداق مطرح‌شده در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را به موارد دیگر نیز تسری دهد. در این راستا، برای رفع نقایص موجود در قانون آلمان، از جمله روند طولانی رسیدگی و محدود بودن قلمرو آن، قانون‌گذار ایران می‌تواند به پیش‌بینی سازوکارهایی، از جمله رسیدگی خارج از نوبت به دعوای نمونه و پیش‌بینی شعب خاصی برای رسیدگی به این دعوای و پذیرش آن در تمام دعوای مربوط به مصرف‌کنندگان، اقدام نماید. در این مسیر توجه به اقدامات صورت‌گرفته توسط برخی حقوق‌دانان در تهیه پیش‌نویس قانون دعوای جمعی، تا حدی که قابل انطباق با دعوای نمونه باشد، راهگشا خواهد بود.^۱

^۱. گیدی، آنتونی، *قانون دعوای جمعی، الگویی برای کشورهای سیستم سیویل لا*، ترجمه مجید

پوراستاد و مریم فرزاد، ۱۳۹۳.

نتیجه‌گیری

دعوای نمونه به عنوان یکی از راهکارهای تجمیع دعوای با جهات حکمی و موضوعی مشابه یا یکسان در نظام حقوق آلمان پیش‌بینی شده است. در این دعوای یک دعوای مستقل توسط یک یا چند شخص طرح می‌شود و از حکم نهایی آن برای تعیین تکلیف سایر دعوای مشابهی که توسط اشخاص دیگر علیه همان خواننده اقامه شده است، استفاده می‌گردد. در این دعوای تازمانی که حکم نهایی دعوای نمونه صادر شود، تمامی دعوای مشابه دیگر متوقف می‌شوند و پس از آن، درباره هر یک از دعوای با توجه به تصمیم صورت گرفته در دعوای نمونه، به‌طور جداگانه تصمیم‌گیری می‌شود.

این دعوای با تصویب قانون بازارهای سرمایه (کپموگ) در سال ۲۰۰۵ وارد نظام حقوقی آلمان شدند و با پذیرش سازوکارهایی، از جمله انتشار آگهی برای ورود افراد ذی‌نفع در دعوای پیش‌بینی مهلتی برای ثبت دعوای نمونه، سعی در راستای انطباق این دعوای با اصول و مبانی مورد پذیرش نظام حقوقی، از جمله حق استماع عادلانه، شده است.

در حقوق ایران نیز ضرورت تجمیع دعوای با جهات حکمی و موضوعی مطرح است. اهمیت طرح این دعوای در زمینه حقوق مصرف‌کنندگان چندین برابر است. زیرا شرایط جامعه مدرن به نحو قابل ملاحظه‌ای اشخاص را در معرض صدمات گروهی قرار داده است. مصرف‌کنندگان به دلیل ناآگاهی و پرهزینه بودن دعوای برای مطالبه جبران صدمات مزبور در موقعیت ضعیفی قرار دارند و انگیزه‌ای برای اقامه دعوای ندارند. در این شرایط، توسل به قواعد عام پرهزینه و نامناسب هستند و این دعوای از طریق ایجاد انگیزه به منظور اقامه دعوای یکی از طرق حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خواهد بود. همچنین رسیدگی به هزاران دعوای مشابه باعث می‌شود که در وقت و هزینه‌های طرفین و مراجع قضایی صرفه‌جویی شود. ضمن اینکه از صدور آرای متناقض در موضوعات و ادعاهای کاملاً مشابه جلوگیری می‌کند.

با وجود عدم پیش‌بینی این دعوای در حقوق ایران، با توسل به اصول و مبانی حاکم بر نظام حقوقی ایران، همانند اصل آزادی افراد در اقامه دعوای و حق مورد استماع قرار گرفتن و اصل نسبی بودن آرای دادگاه‌ها و قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده، پذیرش این دعوای از توجیه کافی برخوردار است. عملکرد قانون‌گذار در ماده ۹۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت

اداری در راستای چنین ضرورتی است و از این رو می‌توان این ماده را به عنوان گامی برای پذیرش دعوای نمونه در آیین دادرسی اداری ایران تلقی کرد. قانون‌گذار ایران نیز می‌تواند با الگوبرداری از نظام حقوقی آلمان و پذیرش دعوای نمونه در قانون آیین دادرسی مدنی، مصداق مطرح شده در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را به موارد دیگر نیز تسری دهد. ضمن اینکه در این مسیر باید نقایص موجود در قانون آلمان، از طریق پیش‌بینی سازوکارهایی از جمله رسیدگی خارج از نوبت به دعوای نمونه و پیش‌بینی شعب خاصی برای رسیدگی به این دعوای و پذیرش آن در تمام دعوای مربوط به مصرف‌کنندگان رفع شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. رنه، داوید و اسپینوزی کامی ژوفره، *درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر*، ترجمه حسین صفایی، تهران: میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۱.
۲. مؤسسه مطالعات یکنواخت سازی حقوق خصوصی امریکا، *اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی*، ترجمه مجید پور استاد، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
۳. غمامی، مجید و حسن محسنی، *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

مقاله

۴. گیدی، آنتونی. *قانون دعوای جمعی، الگویی برای کشورهای سیستم سیویل ل/*، ترجمه مجید پوراستاد و مریم فرزاد، ۱۳۹۳.
۵. کاشانی، جواد، *دعوی گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و ثانویه در سیستم حقوقی*. فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، ۱۳۹۱، شماره ۳۷.
۶. قاسمی حامد، عباس، آرزو فلاح، *دعوی گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف کننده*، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۵.
۷. محسنی، حسن، بهنام غفاری و نعیمه شوشی نسب، *دعوی جمعی و نقش آن در احقاق حقوق مصرف کننده*. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، ۱۳۹۱، شماره ۱.
۸. مولودی، محمد، بیژن حاجی عزیزی و ناهید صفری، *مطالعه حقوق فرافردی مبنایی برای دعوای جمعی*، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۵، شماره ۷۵.

ب) منابع انگلیسی

Books

9. Anderson, B & Andrew Trask. *The Class Action Play book*, New York: oxford university press.
10. Hodges, Ch. *The Reform of Class and Representative Actions in European Legal Systems: A New Framework for Collective Redress in Europe*, vol 8. Oxford: Hart Publishing Ltd,P, 2008.

Articles and reports

11. Baetge, Dietmar, Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation, Germany, (2007) available at: <http://globalclassactions.stanford.edu/taxonomy/term/45>.
12. Hensler, D. The Globalization of Class Actions: An Overview. *the American Academy of Political and Social Science*, 622: 7, (2009).
13. Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa, "Class Action in Europe: Comparative Law and EC Law Consideration", *Butterworths Journal of International Banking and Financial Law*, (October 2008).
14. Newland, James, Louise, Moher, Lynda Morgan, "Multi-party Litigation in Germany: the KapMuG in Action," Volume VI, No 4, (2008).
15. Schulz, Daniel & Hixson, Michael, "The International Comparative Legal Guide to: Class & Group Actions 2012", Chapter 14: "Germany, Global Legal Group Ltd, London, (2012)".
16. Stadler, A. "Developments in Collective Redress: What's New in the 'New German KapMuG'" *European business law review* ; 24(2013)
17. Stuyck J et al. An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings. Final Report. The Study Centre for Consumer Law – Centre for European Economic law, (2007).
18. Feess, Eberhard, Halfme, Axel, "The German Capital Markets Model Case Act (KapMuG) .a European role model for increasing the efficiency of capital markets? analysis and suggestions for reform", (January 2012) available at: <http://ssrn.com/abstract=1684528>.